

هستد ارامام به مسلمانان و مستضعفان جهان

● مستکبران جهان که از ممالک مستضعف بهره برداری میکردند با احساس خطر قوای تبلیغاتی و غربکاریشان رادرایران متمرکز کردهاند

اگر ایوان که مبدا قیام عمومی مسلمانان است شکست بخورد همه مستضعفین شکست خواهند خورد

● همانطور که مستکبران برای سرکوب این انقلاب مجهز شده اند همه مسلمانان و مستضعفین متوجه باشند که این نقطه بروز مخالفت را حفظ کنند

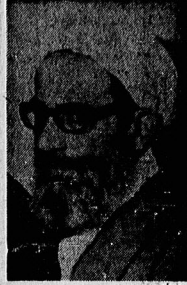
صفحه ۱۶

اطلاعات

چهارشنبه ۱۴۰۱ - سوم ۱۳۶۰ - شماره ۲۰ - دیال ۱۶۸۱ - شماره ۱۶۸۱۶ - شماره ۲۰ - دیال

● به تمام محاکم توجه میدهم مباد این شرارتها باعث شود کنترل خود را از دست بدهند و زانند بر قانون اسلام عمل کنند

آیه الله مهدوی کنی نخست وزیر شد



در صفحه ۷

کرخه کور با انهدام آتیب زرهی دشمن آزاد شد

تیمسار فلاحي پيروزي «کرخه کور» باعث آزادي جانشين رئيس ستاد مشترک ارتش : مشترک ارتش : در صفحات ۱۵ و ۱۶



بزرگداشت پرشکوه شهادت رجایی و باهنر در سنگر دانشگاه

مراسم بزرگداشت رجایی و باهنر که از سوی امام امت برگزار شده بود، یکبار دیگر اراده امت بهاخته ما در تداوم بخشیدن به انقلاب اسلامی را نشان داد.

در صفحه ۲

اطلاعیه مرکز تهیه و توزیع مواد پلاستیکی

بدینوسیله به اطلاع عموم واحد های تولیدی و صنعتی مواد پلاستیکی مشمول تعرفه ۳۹ می رساند که کالا های موجود بشرح ذیل جهت توزیع آماده می باشد.

- ۱- پلی اتیلن لودسیتی فیلم (تایلون)
- ۲- پلی اتیلن لودسیتی تزئینی
- ۳- پلی استرین جنرال پروژ (کریستال)
- ۴- پلی اتیلن های دسیتی تزئینی
- ۵- پلی اتیلن های دسیتی بادی
- ۶- سدیم کاربوسکی متیل سلولوز (سی ام سی) گردغذایی

برای کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ ۶۰۶۰۶۰ به اداره فروش این مرکز واقع در خیابان کریمخان زند غرب خردمند شمالی شماره ۸۳ طبقه هشتم مراجعه فرمائید.

روابط عمومی مرکز تهیه و توزیع مواد پلاستیکی

آگهی دعوت بهمکاری شرح در صفحه ۹

در صفحات دیگر میخوانید

رجایی، سالکی از وادی رنج و شهادت

در صفحه ۵

● راه های تعمیق وحدت و شناخت عوامل اختلاف (از مرتضی الوبیری خماننده مردم دعاوند در مجلس)

در صفحه ۱۰

● اطلاعات مربوط به جهان سوم را تحصیل کرده های خودمان به امپریالیست ها می دهند

در صفحه ۶

● مسئله مالکیت از دیدگاه شهید مظلوم بهشتی

در صفحه ۷

● دست سلف چرا از دستبرخیزد؟

● گوش حسنگران انقلابی در گردش سریعتر چراغ های راه آهن

در صفحه ۱۱

جان و سر، بازیم اندر راه او

مرحبا ای همدان ای یک بیعت عزیز حق گردید و بر سید رحمت آفرین برزاه و رسم پاکتان سپر غولانسی سوی الاکتان سالبا در عشق دین خوش سوختید

عقل و ایمان را بهم برده سوختید امت از تقویان رهتونه ساخت کفر ازرق جامه، یکسر لاک باخت ای عزیزان راهمان را شستاید

چون ره هوارتان براه خدمات با امام امت حقوقی خودی

عید، بنادیم محکمترز پیش چون، رجایی، باهنر، گنگوچر، چاندسر، بلزیدالدر راه او

بلند خدا؛ حبیبی ۱۰ شهریور ۶۰

وتوقی در بدرقه شهیدان رفت

خوشا آنانکه طبری را خریدند، زنیای دنی دل را بریدند، خوشا آنانکه با شهال ایمن، به کوی قرب جانان برگشتید.

بدینوسیله از همه سروران بزرگوار و برادران و خواهران ارجمند که بطرق مختلف مارا در سوگ پدر، مراد و بزرگ خاندانان مرحوم رضا وتوقی تسلیت گفتند تشکر کرده همچنین بمناسبت شهادت فرزندان رشید امام امت، رجایی و باهنر مراتب تبریک و تسلیت خود را تقدیم میاویم.

به امید پیروزی انقلاب اسلامی وطول عمر امام خاندان وتوقی

شهادت انتشار آفرین برادران - مرز محمد علی رجایی

رئیس جمهور و محمد جواد باهنر نخست وزیر، پاران صدیق امام امت را به پیشگاه امام زمان (عج) و شایب برحقش امام خمینی ملت شهید پرور ایران تبریک و تسلیت عرض نموده پیروزی پیروان راه الهی را تبریک عرض می نمایم.

شرق و غرب خصوصاً امریکای جنایتکار آرزو مندیم، از طرف ستاد کمیته روغن موتور فرمانداری شهرستانری

ایران در اجلاس غیر متعهد هادر عراق شرکت نمی کند

در صفحه ۱۶

افریقای جنوبی با بمب های خوشه ای و شیمیایی آنگولارا بمباران کرد

در صفحه ۱۶

انعکاس جهانی فاجعه بمب گذاری در نخست وزیری

در صفحه ۱۶

با انفجار بمب در مسجد دونهماز گزار شهید شدند

در صفحه ۲

قضا، ۲ عضو جدید شورای عالی قضایی را انتخاب می کند

در صفحه ۱۳

بسمه تعالی اطلاعیه بنیاد مستضعفان

فروش مبلان و سرویس های اتاق خواب ایرانی و خارجی، این بنیاد روزهای چهارشنبه و پنجشنبه هر هفته فروش انواع ظروف تزئینی، تابلو، لوستر و لوازم منزل هر روز بقی از ایام تعطیل از ساعت ۵ صبح ۱۲ تا از ۱۲ تا بعد از ظهر دایر می باشد.

خریداران باقیمت برای ورود به سالن های فروش یکصد هزار ریال و دویز بردارند، ضمناً حاصل فروش صرف برای ایجاد ده هزار واحد مسکونی در مناطق جنگزده می شود.

آدرس: درب غربی نمایشگاه های بین المللی - جنب لو تاپارک ۷۴۷۱۷۱

سخن روز

وقتی خفاشان آفتاب پرست راه مجازات کنند!

حسرت نبرم خواب آن دریا، کارام درون دشت خفته است، دریایم و نیست باکم از توفان، دریا همه عمر خوابی آشفته است.

مولوی را قصاید است و تثنیای بس بزرگ و زیبا و پریمی، قصاید و تثنیای که حدیث روکار ما است اگر نه ما، رهبران ما، مسئولان ما، و آن تثنیای بدین مضمون است، آفتاب پرست حیوانکی است شکنت و حال و احوالی شنیدی، ماشق آفتاب است و ساهتا چشم درخشان پرشید بیوزده، تن به آفتاب میسپارد و شمس را می پرستد خفاش (که بیشتر مرفخ حشور است) درست برعکس آفتاب پرست، املا از آفتاب گریزان است، میترسد، منتظر است و هر شماع خوشید را تیر زهر آلودی طبع خوشی میداند، اینست که تنها در فروب، در شانگهان و دریاسوی شب های پرزدن و بیرون آمدن و گشت و گذار دارد روز را تنها در شانگ بیوزها و ساختنهای مارو به و خانه های تیمی تنگ و تاریک پنهان است و روز را و نور را و روشنائی را مرگ خویش میداند.

الفصح نویوز به صحرا افکنند تا بمیدان اعلامیه سیاسی - نظامی صادر شد و حکم صادره درباره آفتاب پرست باجرا در آمد، در آفتاب رهایش کردند و او که چندی در جنگ خفاشان و در دنیای تاریک آنان اسیر مانده و بار آورده محروم شده بود از اینترقی به وصال مشرق رسید و سرسخت و شادمان و سروخون تن بنور ای نور خورشید را برگ پنداشتند و هر لحظه و برانکار باطل خفاشان میخندید که مجب مجازاتی و مجب باخظار، و حکم و تکبر انقلابی بی.

و راستی هم مجب کفر مستفاد را در سوراخ خریدن و بتاریکی هو کردن و مواد آتیزا ساختن و نقشه از آمریکا گرفتن و سپس محکوم کردن به تورو و انفجار ۱۱ محکوم کردن بهشتیان؟ محکوم کردن بنور آفتاب؟ انفجار دفتر حزب برای آن هفتاد و چهارتن مگر جز شهادت و وصال مشرق و بحیرم نور و آفتاب برآمن مجازات دیگری هم ببار آورده آتش سوزی نخست وزیری و کشتن باهنر و رجایی چه کفری بود جز شهادت و هجرت از نفس تنگ دنیای بی که مرز روح آن بزرگواران را مرز زمین دانست؟

اگر مجازات و کبر انقلابی بنی عین بس خوشا بحال آفتاب پرستان، خوشا به حال مبادله، خوشا به حال بهشتی و رجایی و باهنر، و برشما و روزگار شما باید خندید ای خفاشان گریزان از نور، ای قیاس کنندگان به نفس وای نور خورشید را برگ پنداشتند و نوریان راه نور مجازات کرده، حالا بهتر می فهمیم معنا و مفهوم نقشه این سخن کوپنده امام را که خطاب به خفاشان گفته است: یکتیم ما را!

بگذار شهادت طلبان را با مرگ سرخ مجازات کنند! خفاشان کور نه یک رئیس سیاسی یا حزبی یا دولتی بلکه یک عاشق، یک کار و باهنر، و برشما و روزگار شما باید و یک طلبه و در فکر سوخته را شهید کردند، اینست که انفجار نخست وزیری و قتل نجیب رجایی اثر اوانع امام جنگ به مستضعفان است، به زمینکنان، به مستشرقان، زیرا بقول خمندای آنها مرید را کشتند که زمانی نیم بود و مستشرق و سپس آوزگار و آنگاه اسیر در تکلیفگامها، و طلبه دانشمند و محقق و انقلابی را شهید در صفحه ۲



زندان «میز» افشاگر دمکراسی دروغین انگلیسی

از: هفته نامه تایم ترجمه: منوچهر آزاد



پایمانند مبارز بزرگ ایرلندی که با مرگ قهرمانه خود حماسه آید و چهره واقعی و افشای مومکراسی انگلیسی را برای مردم جهان نمایان ساخت.

پس از ۶۲ روز گرسنگی، تا ۲۴ ماهه هفته پیش درگذشت. مرگ او شورش مرگ گسترده‌ای در بلفست پراگتخت که طی آن دو نفر کشته شدند. خطر شخوت هینه وجود دارد، مهربان این روزها لرد واقعی این مقام های بریتانیایی و ارتش جمهوریخواه ایرلند نه در خیابانها بلکه در یک زندان در بلفست است. زندانی که «میز» مشهور است. در آنجا اعضای ارتش جمهوریخواه ایرلند نگه‌داری گرسنه می‌مانند تا بجای آنکه با آنان شهروین نیکباران عادی رفتار شود، به حقوق یوزم زندانیان سلبی می‌یابند.

۱۱ ماهه از آنجا که بسیار زودتر، روزه گریبان بصورت تمام می‌نهد و این ارتش سرخست جمهوریخواه ایرلند و بریتانیایی‌ها درآمده‌اند که بهمان اندازه لجاجت. تا پایان هفته گذشته ۹ اعتصاب کننده درگذشتند و برخی دیگر در بستری هستند که عهد کرده‌اند بیشتر مرگشان خواهد بود. گزارش ژیردرباره چگونگی زندگانی و مرگ در زندان می‌آید:

سینی غذا بدمت نخورده است. هر چند یکبار روزه گیر نکاهی به آن می‌آید. پس از هفته نخست در نظر مرد هدایت‌نده همه چیز بزرگ می‌آید، لوبیها تنوم زنان شیرینی پاک کرده است. حتی بویایی او قوی‌تر شده است. انگلیسی‌ها از ایرلند شمالی خود را که گرسنه نگه‌دارند تا وقت‌ناهار ناهار داشتند و شام در سراسر شب باقی‌ماند. غذاهای بریتانیایی می‌گویند و طبقه دارند همیشه خوراک راد بر سترس بگذارند. زندانی‌ها این عمل را قبیح‌تر یافته‌اند.

اما پس از دو هفته، جنگ اعصاب برود می‌شود. سینه‌ها را می‌آوردند اما زندانی دیگر میل به غذا را از دست داده است. اتفاقات و دردهای جسمی روکن کرده خود می‌شوند. اکنون تنها تکیه‌ای آنها اینست که بدون خواب در بیداری.

هر زندانی طرف کوچکی نیک دارد می‌آوردند اما بفرهاده در آن می‌گذرد. وقتی که اعتصاب غذا به درازا می‌کشد، زندانی‌ها دیوانه‌وار می‌شوند. کادرهای مرگ و بریتانیایی‌ها این قاتلها را برمی‌آوردند. اینجا دنیای غیرتعمدان است. جایی است که جوانان ایرلندی آزاده کرده‌اند بخاطر آزمان بیرون رانستن زندانی‌ها از ایرلند شمالی خود را که گرسنه نگه‌دارند. فداکاری حیرت‌آوری است. مرگی بر سر حمله ۱۰ روزه در سراسر از نفرت و شایسته و تصعب‌آمیز و ایرلندی‌وار. همان لحظه که یک روزه گیر می‌میرد، پنجاه تن برای مرگ در آنجا می‌مانند. نام یک‌ساله که هفته پیش درگذشت، یک چشم شیشه‌ای داشت که حاصل فعالیت‌های چریکی خود بود. پشت‌سرش از یک کاسه ۲۹ ساله، پس از روز یکبار چهار آغما شد. مایکل ۲۷ ساله در روز چهل هوشش و لاریس ماکون بیرونده ۲۴ ساله، در روز چهل و یکم و سپس بافانمادی هفتاد و نه ساله که یک کلون ۲۰ ساله، متداولین ۳۶ ساله‌ده‌های دیگر قرار دارند.

این جنگجویان خیابانی که در جوانی بی‌اعزراشتن را تجربه کرده‌اند، بسبب سلبا زندان سخت جان می‌آوردند. آنان در دست سالیکی بر سرشاند. از آنجا که فشار بسیاری از شوقیان (۲۰۰۰) در بندهای (چ) شکل می‌نشینند، اکنون معتقدند که در جنگ خوش در داخل زندان بیروز شوند و همین است که با پایداری شگفت‌انگیزشان از توجیه می‌کند. اما بر سرش در پایداری آن به جای خود باقی است.

چرا از زندان جوانان گرسنگی دادن به خود هستند؟ درد را چگونه تحمل می‌کنند؟ آیا می‌توانند؟ از آنجا که سربازان به مرگ بار بار از سلبی به سلبی دیگر سرباز می‌کشند و برای همه زندانیان شناخته شده است. و هرگز این مرگ خواران را در اولی دیگری شوند. مواضعی در تکیه گرسنگی را از گرسنگی کنند. آنها جوانان شجاعت‌دوین و دردی‌مانند ماندن ایستاده زندانیان شگفت‌انگیز است. می‌بینند و گرسنی هایشان بافتن‌های چارچوب‌ها می‌چسباند و به سخنان

در این حال خانواده‌هاشان باید نند آنها هستند و به باهمه خاطر انگیزه بر می‌گردند. فرانسویس میز که خیر زمانی از مرگش در زندان میز بصورت فرماتی درآمده بود، دست حساس و پشانی خود را تا آخر حفظ می‌کند و بر سطح لبه و با صدای نازک آواز- های انتقادی می‌خواند، در حالیکه بستگان آندوهانکت دور او جمع بودند.

صد تن در اولی مرگ شدند. رهبران ارتش جمهوریخواه در میز که از این رقم‌نگان زورده بودند، دستور آغاز اعتصاب غذا را صادر کردند. دولتیان بصورت قهرمان درآمده. زندانیان دیگر توجه خاصی نسبت به آنها می‌نمودند و داشتند. به آنها سبک‌آشنایی می‌دادند و در نخستین روزهای اعتصاب شکم، به آنان روحی می‌بخشیدند. برایشان سرها سروده و از طریق لوله‌ها ولایه‌های نازک و در داخل بندها با صدای بلند خوانده می‌شد.

اکنون دیگر روند مرگ تقریباً متعارف شده است. پس از ۲۱ روزی زندانی، روزه گریبان در حالیکه می‌بندند و تقویت‌هایی می‌کنند، حرکت داده می‌شوند. تا روزه خود را در بیمارستان نزدیک زندان که یک ساختمان امروزه می‌باشد، می‌گذرانند. اما در این سبک‌آشنایی می‌باشند. در این سبک‌آشنایی می‌باشند. در این سبک‌آشنایی می‌باشند.

روزه گریبان اجازه دارند هر روز غروب دو ساعت از ۱۸ تا ۲۰ ساعت را در اتاق کوچک کلون‌یون بپوشند. چهار یا پنج نفر در آنجا جمع می‌شوند. پس از سالیانی قنای در یک سال، کلون‌یون مردان و بچه‌ها می‌مانند. کلون‌یون‌ها دشمن مغزورشان، مارکارت تاجر، نخست‌وزیر انگلستان آنها را غضبناک می‌کند.



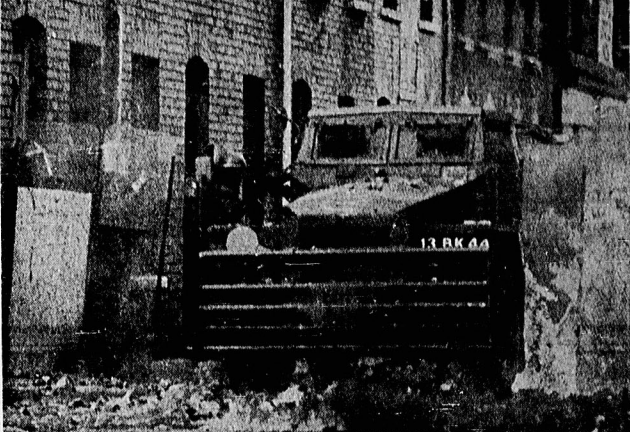
افسران زندان می‌گویند که اعتصاب کنندگان وقتی که از بند انضباط زندان خلاص می‌شوند، دچار تغییر شخصیت شدید می‌گردند. آنها بسیار اجتماعی‌تر و حتی مهربان‌تر می‌شوند. بالاخره با کارکنان زندان آشنا می‌شوند، و سوال و جواب می‌کنند. ماوران پوست‌بره در پیش آنها می‌گذرانند. بدشان را که به اعتصاب گرسنگی می‌شود گرم کنند. آنها قسمت‌های از زمان را در رختخواب می‌گذرانند و می‌گویند بیرونی خود را حفظ

اینجا دنیای غیرتعمدان است. جایی است که جوانان ایرلندی اراده کرده‌اند به خاطر آزمان بیرون راندن انگلیسی‌ها از ایرلند شمالی خود را تا دم مرگ گرسنه نگه‌دارند. فداکاری حیرت‌آوری است. مرگی بی‌رحمانه، ذره ذره سرشار از نفرت و شهادت تعجب‌آمیز و ایرلندی‌وار.

کند. هر چند از ما را امتناع می‌ورزند، تقاضا می‌کنند بر ستاران آنها را مالش دهند تا پوست بدشان که خشک شده، نرم گردد. هفته‌ای یک بار سلبی برای اصلاح و در صورت تمایل ترش‌بین ریش آنها می‌بندند. زندانی‌ها روزانه تویز می‌شوند و همیشه دلبرخواه دانستن رقم دقیق هستند. آگاهی‌برگ به فرماندهان ارتش جمهوریخواه که منتظرند تا خبر را همهجا پخش کنند اطلاع می‌دهند. و زین‌و کج‌انداز ۳۰ ساله پیش از آنکه ۱۸ روزه ببرد، از ۱۹۶ پوند (تقریباً ۹۸ کیلوگرم سترجم) به ۱۰۰ پوند (تقریباً ۴۵ کیلوگرم - مترجم) کاهش یافته بود.

تقریباً بطور دقیق در روز چهل و دوم و افشاکوبوس ماندنی روی می‌دهد. به آنان از پیش آگاهی داده شده است و زندانیان با حواس‌جمعی نامبرانتظار آن لحظه است و دچار حالتی می‌شوند که «نیستاکوس» خوانده می‌شود. از دست دادن کنترل فضایی پلک کبود و پتاین، اگر به اقبال نگاه کنند، چشمانشان بخوبی وحشیانه و غیر قابل کنترل شروع به چرخش می‌کند. اول افقی و سپس عمودی، زندانیان تلاش می‌کنند که درست بروبرو نگاه کنند. حتی دست‌ها را در طرف سرشان می‌گذارند. اما کاری از آنها ساخته نیست. فرانسویس میز، ۲۰ ساله، دومین اعتصابی که جان خود را در چشم بندهای پنهانی برای دور چشمش درست کرده بود.

نیستاکوس باعث تنوع دایم و سرگیمه می‌شود. تمامی این تجربه وحشتناک است و هیچ مقدار تشریح وضع از قبل، نمیتواند روزیگر را برای این محنت‌آمده



آتش خشم مردم مبارز ایرلند مردوران ارتش فاشیست انگلیس را در برگیرفته است.

فرماندهان بندگوش می‌دهند که زبان گالیک حرف می‌زنند تا نگهبان‌ها چیزی نفهینند. از گله‌های مرگ مردم زندان‌هایی که می‌زینند، پوست‌های اینجان خشک می‌شود. استخوان زیرین هویداست و کوری بر زمین ناپدید می‌شود از مرگ سخن می‌گویند.

رهبران ارتش جمهوریخواه ایرلند اول از اندیشه اعتصاب غذا بیم داشتند و معتقد بودند که مردان ناب یازدهم و بدین گونه روح‌پنجه‌ری راه خطی خواهند آمد. این پرسش‌ها در یک راه است. آیا اعتصاب غذا نتیجه بخش خواهد بود؟ - بعد از اول سال جاری یادگیری از سوی رهبران زندان مطرح در سرتاسر بندها مورد بحث واقع شد. برخی از اسیران با یواشما حرف می‌زدند و می‌پوشیدند. برخی می‌کردند که انگلیسی‌ها هرگز تسلیم نخواهند شد. چنین اظهاراتی غالباً سکوت بواجی می‌آورد. اما در اولی چنین اظهاراتی خوانده شد. یک هفته در اولی پیشنهاد برمی‌کنند و چنانچه احساس آمادگی کردند، در اولی خود می‌شوند.

صد تن در اولی مرگ شدند. رهبران ارتش جمهوریخواه در میز که از این رقم‌نگان زورده بودند، دستور آغاز اعتصاب غذا را صادر کردند. دولتیان بصورت قهرمان درآمده. زندانیان دیگر توجه خاصی نسبت به آنها می‌نمودند و داشتند. به آنها سبک‌آشنایی می‌دادند و در نخستین روزهای اعتصاب شکم، به آنان روحی می‌بخشیدند. برایشان سرها سروده و از طریق لوله‌ها ولایه‌های نازک و در داخل بندها با صدای بلند خوانده می‌شد.

اکنون دیگر روند مرگ تقریباً متعارف شده است. پس از ۲۱ روزی زندانی، روزه گریبان در حالیکه می‌بندند و تقویت‌هایی می‌کنند، حرکت داده می‌شوند. تا روزه خود را در بیمارستان نزدیک زندان که یک ساختمان امروزه می‌باشد، می‌گذرانند. اما در این سبک‌آشنایی می‌باشند. در این سبک‌آشنایی می‌باشند. در این سبک‌آشنایی می‌باشند.

روزه گریبان اجازه دارند هر روز غروب دو ساعت از ۱۸ تا ۲۰ ساعت را در اتاق کوچک کلون‌یون بپوشند. چهار یا پنج نفر در آنجا جمع می‌شوند. پس از سالیانی قنای در یک سال، کلون‌یون مردان و بچه‌ها می‌مانند. کلون‌یون‌ها دشمن مغزورشان، مارکارت تاجر، نخست‌وزیر انگلستان آنها را غضبناک می‌کند.

افسران زندان می‌گویند که اعتصاب کنندگان وقتی که از بند انضباط زندان خلاص می‌شوند، دچار تغییر شخصیت شدید می‌گردند. آنها بسیار اجتماعی‌تر و حتی مهربان‌تر می‌شوند. بالاخره با کارکنان زندان آشنا می‌شوند، و سوال و جواب می‌کنند. ماوران پوست‌بره در پیش آنها می‌گذرانند. بدشان را که به اعتصاب گرسنگی می‌شود گرم کنند. آنها قسمت‌های از زمان را در رختخواب می‌گذرانند و می‌گویند بیرونی خود را حفظ

وقتی که خانواده هانومیانده پیشنهاد دست کشیدن از اعتصاب می‌کنند، پسر ها رویشان را برمی‌گردانند یا دستشان را باحال نزار بلند می‌کنند و از آنها می‌خواهند در این باره حرفی نزنند. اگر مادرها سماجت کنند، بعضی از پسر های خشمگین به آنها دستور می‌دهند از اتاق بیرون بروند و از ملاقات های بعدی با آنها امتناع می‌ورزند.

پسران بین او و خانواده‌اش ادامه خواهد یافت. جسات نومیانده کاترین کوین موی از امید در میان هزاران خانواده برانگیزه است که مضطرب شدن این خبر ناگهانی هستند که فرزندانها داوطلب گرسنگی کشیدن شده است. هنگامی که نام لیم یک کلاسکی ۲۰ ساله، به عنوان آخرین داوطلب اعلام شد، والدینش به ارتش جمهوریخواه ایرلند اعتراض کردند که فرزندانشان در جاس موتوت مشغول است که امکان دارد سبب مرگ زودرسی او شود. گوش از آنجا کردند فیض خود را از ابراز دارند.

همه‌ها بعضی خانواده‌ها حتی پیش از فرزندانشان به این قضیه دلپسنداند. ریوند یک کریس ۲۴ ساله، نزدیک به ۲۰ روز بون غذا سپرد و روزی به یکی از زلمیان‌واران زندان گفت می‌ماند که یک لیوان شیرورزه او را خواهد شکست. اما، بالاخره یک کریس یا تردید اظهار داشت: شیر مایع است. مثل پنج میانه آب و شکی که روزانه می‌آشامد.

مادر و آتیان از این سؤال دستپاچه شد که فوراً برایش زندان گفت و او هم بتوریت خانواده بازنامل مکتوبش را مطلع کرد. یکی از آنها یک صدلی را کنار بستر گذاشت، چون ریوند دیگر نیمه کرده بود و به زندانی گفت که او نسبت به رفتن نیمه دارد. سپس این حیوانچه از نخستین اعتصاب کننده که اسماعیل سپرد، یاد کرد. بخاطر داشته باش که با پسران در بهشت‌منتظر توست. ریوند از خواستش شیر منصرف شد و یک هفته بعد درگذشت.

زندانیانی که از روزگیشان پشتیبانی می‌کنند، غالباً بدخنی به یکدیگر یادآور می‌شوند که زیستن می‌تواند تیر از مردن باشد. آرمایی که به آن دلپسنداند از هر چند دیگر در خانه‌های سرد هموارشان بسیار مؤثرتر است. در موز، زندانی‌ها جامعه‌ای خاص خود را در داخل زندان میز ایجاد کرده‌اند که آنها را قادر می‌سازد به مبارزه ادامه دهند. کریک از چهار زاویه‌بند، یک‌فرمانده و یک‌سرتیاز. یکی اسیر اطلاعاتی، یکی اسیر آموزشی دارد. محبوسین برزبان‌های حرف می‌زنند. آلهایی که این زبان را می‌دانند در داخل زندان می‌آوردند. تمامی این سلسله مراتب را یک فرمانده سرکش و خشن با براندگان که فارزین ۲۰ ساله، اداره می‌کنند بملک متفرج کردن یک محل عمومی در بند پنج‌نفرته‌ای. پس از ۲۰ ساله زندان محکوم شده‌است.

مخاربین و زیردستان بدقت مراقب زندان‌بانانند. در این حالت زندانی‌ها که بملک دانستن زبان گالیک از جنوب آورده شده‌اند. زندانی‌ها سعی می‌کنند به زندانیان های مظلون حقه بزنند. به زبان گالیک مطالب تکان دهنده‌ای که باره کشتن بچه‌هایشان می‌گویند. اگر کوچکترین واکنشی نشان دهند، پس این زبان را می‌دانند. بطور معمول زندانی‌ها هرگز مستقیماً با زندانیان حرف نمی‌زنند و حتی به آنها نگاه نمی‌کنند. این، بخشی از یک جنگ با پان‌نایپر روانی است.

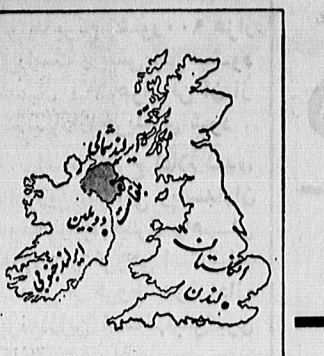
زندانی‌ها در مواظبت از خودشان بی‌بینند. ناخن‌های دست و پاهاشان را به سیان می‌کشند تا کوبه کنند. ناخمانه‌ها طولانی که با خطه ریزوری کاند توالت نوشته شده در صدها نسخه بیرون می‌آید. یک‌زندانی پیام تاسس و نندک کوچکی را بلید به این منظور که دوروز آتار در داخل بند خود حفظ کند. یک نلر پاپ آتار بافت و با بله از گلویی بیرون کشیده شد.

مردان موزی در سلول‌ها، برای رویل کردن اشیاء می‌نشینند. بوسیله تکیه‌ای از حوله‌های «پنجه‌ای» و متصل کردن یک کدک، راه‌های تمییز کرده‌اند. بعد از انضاط کدکها از زیر در می‌کشند تا به نغ و کدکهای کتان تالار در شده مرتبط شود. و شبکه انضاط برقرار می‌شود. همیشه اشیاء کوچکتر با یکدیگر در آنجا پنهان می‌شوند. دیگر با انضاط تالار می‌مانند سیکار، بستن آنجا پنهان‌های حوله یا باچشمالور و بعد تاس دادن آن از یک پنجره بپنجره دیگر است.

برای زندانیان میز در حوالی نیمه‌شب جان می‌گیرد. وقتی که نگهبان‌ها کترتراقب و کتر درمعرض کوبه باشند. شب خوب زمانی است که در آنجا آرزایند. بدون هیچگونه آتری‌آزادیاپاربان، رهبران زندان در آرایش تاریک‌ترین می‌نشینند و باستانی‌ها بین بندهای (چ) شکل‌گهر یک ۱۰۰ فوت از هم فاصله دارند. شنیده می‌شود. این افراد که SCORCHER خوانده می‌شوند انگلیسی‌ها کلمه گالیک SCORCHIT (فریاد) می‌آوردند. این سوره‌ها بر سرهای و فرحهای می‌سرت و به بر می‌کشند. گاهی مسامحه‌ای سرگرمکننده می‌گردند و درباریه اعداد و تاریخ و جزئیاتی سؤال می‌کنند. وقتی کسی برده می‌شود، فریاد تنبوق در تاریکی بلند می‌شود.

اما همیشه همچنانکه زندگی در میز می‌گذرد، مردان ارتش جمهوریخواه ایرلند، دل‌وایس و نگران انگلیسی هستند که در حال مرگند. سرنوت‌نعت اعتصاب کنندگان برزندان سنگینی می‌کنند.

مکالمات و گفتگوهایشان که از بیرون زندان‌ها شنیده می‌شود، هنوز تسلط زیادی بر زندانیان دارند و ساعت‌ها صرف انتخاب ادب‌وایلی می‌کنند. باید جای‌جای‌ها گفتگو را بگیرند. رهبران جای‌نیروی جسمانی قدرت روحی را برمی‌زنند. غالباً پسران را مثال می‌زنند که مردی



کوچکاندام بود، و درباره تجربه خود چنین می‌گفت: «مردم به اندازه کافی می‌فکند. اما در پایان کار، همه چیز به نفع من تمام می‌گردد. اگر شما برای پایداری ذهنی نیرو نداشتید، باقیه استقامت نخواهید کرد.»

فشار هم زنجیرها سنگین است. داوطلب شدن برای اعتصاب غذا و بعد پارس کشیدن، کاری بس و قبیح است. آخرین ساعات عمرش پیش می‌شد، گوش می‌داد. حتی وقتی پایان کار دور پیش می‌شد، اسودتری وجود دارد. کوین‌لیچ، نظیف‌نویزی پیش از مرگش از خانواده خود خواست برایش سگ‌بازی‌بورد. مادر و نامزد می‌گیران خود رفتند. ۲۰ ساله، بن خشک‌دستی را برای مالش‌دندان بلند کردند. زمانی که گاو تقریباً از تخت پهایین سربد، زندانی به‌مزاج گفت گفتگویی ۲۴ ساعت‌ا عمرش کاسته‌اند.

صحنه از آغاز تابان، مارتازست، زندانیان در پیروانه های سیز و جمه‌ای، در حالیکه بکندی خورده‌ای طرف می‌کشند، می‌کشند روزم و زندگی خوبی را تا آنجا که در تروان دارند، کش بدهند. انگلیسی‌ها آنان را مجبور به تقذیه نمی‌کنند. آنها ادعا می‌کنند چنین اقدامی به‌شدت عمل نسبت به مشخص زندانی منجر می‌شود. علاوه بر این، هرگز نباید چنین اقدامی را به‌شدت اطاعت خواهند کرد. آسپیشناسان بیمارستان گزارش می‌دهند که ممانعت پس از مرگ، علت واحدی برای مردن روشن نمی‌کند. مرگ و خشتناکی است‌جسم به‌هستی فرسوده می‌شود. چهره پراز که می‌گردد، زندانیان گاه نگاه خشن بازگو کردن سخنان ترس‌مکسویتی، یکی از اعتصاب‌کنندگان مشهور ارتش جمهوریخواه، که در سال ۱۹۶۰، هفتاد و چهار روز غذا نخورد روحیه خورا تقویت می‌کنند که پیش از مرگ گفت: «مردن کسی نیست که بیشتر ستمی‌کند بلکه کسی است که بیشتر ستم می‌کند». مقامات بریتانیایی بنوع به معتقدند که ایرلندی‌ها نمی‌توانند تا پان‌جوانان خورا قربانی کنند. هم‌فرانکیز، وزیر امور ایرلندشمالی (در دولت انگلستان - مترجم)، مردی که به‌همان سرخستی اسیران بندهای (چ) شکل‌است، می‌گوید: «آنها نمی‌توانند ادامه بدهند.»

گاری آدامز، ۳۴ ساله، رهبر شورشیان، اخیراً یک روز بعد از ظهر را با زندانیان گذرانده. آنها در اتاق تلویزیون جمع شدند. آدامز که به‌زبان گالیک سخن می‌گفت، می‌دانست به‌این‌ان اعلام کرده‌اند بحث انگلی برای تقذیه وضع وجود دارد. او ادامه داد: «اگر اعتصاب کنندگان بخوانند روز خود را بکشد، تقذیه نخواهند شد. آنها تاکنون کاری بیش از حد انتظار انجام داده‌اند.»

زندانی‌ها می‌خواهند به‌هرقیمت اعتصاب ادامه دهند. آدامز گفت و او مطمئن است که همه آنان بزرگی خواهند بود. بنظر می‌رسد که وی با این گمان است. از این بیان دعوت می‌کند که روز خود پان‌بند است. اما هیچکدام چنین اعتقاد ندارند. «اگر اعتصاب به‌او خیره شدند. نمای سکوت این بود: چنین‌باید!»

توضیح مندرج به این گزارش پیش از مرگ همین مبارز ایرلندی در هفته گذشته نوشته شده است. از همینرو نامی از وی برده نشده است.

گای جان بایت

آمریکادرتدارک تسلط دوباره بر خاورمیانه

روزنامه «الدث» چاپ دمشق فاش ساخت که آمریکا در تدارک تسلط دوباره بر خاورمیانه است. این روزنامه در تدارک تسلط دوباره بر خاورمیانه است. این روزنامه در تدارک تسلط دوباره بر خاورمیانه است. این روزنامه در تدارک تسلط دوباره بر خاورمیانه است.

«الدث» تأکید کرده است: تجاوز اخیر آمریکا به جابری لیبی و سرنگونی دولت اوپایه‌ای آن کشور و سلبات نظامی کوچکی است که به احتمال زیاد منجر به یک جنگ همه‌جانبه می‌شود. دولت آمریکا در حال حاضر به یک جنگ همه‌جانبه می‌شود. دولت آمریکا در حال حاضر به یک جنگ همه‌جانبه می‌شود. دولت آمریکا در حال حاضر به یک جنگ همه‌جانبه می‌شود.